

بررسی جایگاه مهریه‌های سنگین از منظر آیات و روایات - آرزو ملک‌شاه
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال شانزدهم، شماره ۶۴ «ویژه زن و خانواده»، پاییز ۱۳۹۸، ص ۷۱-۵۸

بررسی جایگاه مهریه‌های سنگین از منظر آیات و روایات

آرزو ملک‌شاه*

چکیده: مهریه، به منزله یکی از حقوق مالی زوجه در اسلام، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. قرآن کریم از مهریه به منزله صداق، نحله و ... تعبیر می‌کند و نحله نشانه صداقت مرد به زن در پیمان زناشویی است. در فقه امامیه برای مهریه سقفی تعیین نشده و میزان آن به توافق طرفین محول شده است. در سال‌های اخیر، تغییر نظام ارزش‌ها، هنجارها، باورها و ... موجب شده است که مهریه به میزان چشمگیری افزایش یابد. این افزایش باعث بروز مشکلاتی در کارکرد خانواده، جامعه و ... شده است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که جایگاه مهریه‌های سنگین در آموزه‌های دینی چیست؟ نتایج بیانگر آن است که اگرچه در اسلام برای مهریه سقفی تعیین نشده است، قرار دادن مهریه سنگین لاقبل ناپسند شمرده می‌شود. حکمت شاید این کراهت پیامدهای منفی و تبعات ناگوار اجتماعی است که از مهریه‌های سنگین متوجه فرد و جامعه می‌شود. فقها هم مسلمانان را بر سبک گرفتن مهریه تشویق کرده و از گرفتن مهریه سنگین بر حذر داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مهریه؛ مهریه سنگین؛ خانواده؛ زن؛ اسلام.

*. دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی.

اسلام به عنوان دین جامع و جهان‌شمول، به منظور تبیین وظایف انسان در رابطه با خداوند و تنظیم روابط با هم‌نوعانش احکام متعددی را مقرر داشته است. احکام ناظر به روابط انسان با هم‌نوعان او، به صورت مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف است، حقوقی که انسان در برابر دیگران از آن برخوردار است و تکالیف یا وظایفی که خود در مقابل آنان بر عهده دارد. از جمله این مقررات، حقوق و وظایفی است که اعضای یک خانواده، به ویژه زن و شوهر از آن برخوردارند. اسلام برای خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل است و در قرآن و روایات برای سلامت خانواده و پیشگیری از تزلزل آن، دستورات فراوانی وجود دارد. مهریه در نظام حقوقی اسلام از جایگاه ممتازی برخوردار است و به عنوان یکی از حقوق مالی زوجه در جریان ازدواج، تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اقوال ائمه اطهار و بزرگان دین و نیز سیره عملی ایشان، همواره بر این امر تأکید داشته و سبک بودن میزان مهریه را به عنوان یک هدیه از طرف مرد مورد توصیه قرار داده‌اند. لکن در گذر زمان این نوع نگرش متحول شده و مهریه به‌طور بی‌رویه افزایش یافته و به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است.

امروزه یکی از مسائل مهم و مورد توجه جامعه، مسئله مهریه زنان است. مهریه در آیات قرآن به عنوان نحله، صداق و... تعبیر شده است؛ یعنی مهریه یک هدیه و پیشکش از طرف مرد به زن است که مرد به فراخور استطاعت مالیش با عنایت به عرف جامعه، به زن می‌دهد. مهریه در دوران قبل از اسلام وجود داشته و بعد از اسلام شکل جدیدی به خود گرفته است. در دوران قبل از اسلام، مهریه را بهای زن می‌دانستند، اما با ظهور دین مبین اسلام، این پندار نادرست تغییر کرد، آن را نشانه علاقه راستین مرد به زن تعبیر کرده است؛ اما در عصر حاضر، این دستور

الهی از جایگاه اصلی اش فاصله گرفته است. این مسئله مشکلاتی را پدید آورده است که نه تنها فرد، بلکه جامعه هم با آن دست به گریبان است. در سخنان ائمه علیهم السلام مهریه سنگین نکوهش شده و دستور اخلاقی مؤکد به سبک گرفتن مهریه داده‌اند. مهم‌ترین سؤال این پژوهش آن است که جایگاه مهریه‌های سنگین از نگاه آیات و روایات چیست؟ در این مقاله ابتدا به بررسی مهریه در قرآن و سپس جایگاه آن در روایات پرداخته می‌شود.

۱. بررسی مفهوم مهریه

قبل از ورود به بحث لازم است مفهوم مهریه مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. مفهوم لغوی

مهر واژه‌ای است عربی، فارسی آن لفظ کابین است، هم‌چنین لغات صداق، فریضه و اجر مترداف مهر در زبان عربی است. در قرآن کریم لفظ مهر استعمال نشده، و لیکن الفاظ دیگر از قبیل صداق، نحله، فریضه و اجر استفاده شده است (لطفی، ۱۳۸۸: ۲۲۹). در تعریف آن آمده است: «مهر، کابین و آن نقد جنسی باشد که در وقت نکاح بر ذمه مرد مقرر کنند. صداق، آن مال یا نفقه‌ای است که انتفاع از آن شرعاً جایز باشد و آن را برای زن قرار دهند. مهر و مهوره مالی که به واسطه وطی غیر زنائی به عقد نکاح بر عهده مرد قرار می‌گیرد» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۹۳۳۵). هم‌چنین به معنی دست پیمان، بضع صداق، شیربها روی گشایان، رحم و شفقت و محبت هم تعریف شده است. (همان) در فرهنگ معین مهریه معادل محبت تعبیر شده است. (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۰۵۶) مؤلف ترمینولوژی حقوق در تعریف مهر می‌نویسد: «مال معینی است که بر سبیل متعارف زوج به زوجه در عقد نکاح می‌دهد و یا به نفع زوجه بر ذمه می‌گیرد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۷۰۲) با الهام از تعاریف مهریه می‌توان گفت که مهریه در دو بعد مادی و معنوی تعریف شده است. در بعد معنوی از آن به رحم،

محبت و... تعبیر شده است و در بعد مادی به معنای مالی است که زن شرعاً و قانوناً می‌تواند از آن استفاده نماید.

۱-۲. مفهوم اصطلاحی مهریه‌های سنگین

۱-۲-۱. مهریه سنگین در اصطلاح فقها

فقها هم درباره مهریه تعاریفی ارائه داده‌اند. برای نمونه، شیخ مفید در تعریف مهریه می‌نویسد: «مهریه عبارت است از آنچه زوج پرداختنش را به زوجه هنگام عقد نکاح با وی، عهده‌دار می‌شود.» (مفید، بی‌تا: ۳) همچنین، علامه حلی در تعریف مهریه می‌نویسد: مهر یا صداق مالی است که شوهر در مقابل حق تمتع باید بدهد و در شرع اسلام نکاح بی‌مهریه نیست مگر آن‌که زن به شوهر ببخشد حتی اگر مهریه تعیین نکنند. (علامه حلی، بی‌تا: ۷: ۵۴۲) شیخ در تعریف خود مهریه را در هنگام عقد بر ذمهٔ زوج دانسته و مشخص نکرده است زوج در مقابل چه چیزی باید مهریه بدهد؟ علامه به‌طور کامل‌تر بیان داشته، زوج در مقابل حق تمتع از همسر باید مهریه پرداخت کند. البته این تعریف هم خالی از اشکال نیست.

فقها در خصوص مهریه سنگین تعاریفی ارائه نکرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد مهریه سنگین، مهریه‌ای است که زوج در هنگام وقوع عقد ازدواج یا بعد از آن از عهدهٔ تعهد پرداخت آن برنمی‌آید، یعنی از توان پرداخت زوج خارج است. نکتهٔ دیگر میزان مهریه است، حتی اگر مهریه‌ای به نظر جامعه یا عرف مقدارش کم باشد ولی مرد توان پرداخت آن را چه در زمان وقوع عقد یا در آینده نداشته باشد، مهریه سنگین تلقی می‌شود. با عنایت به مطالب ذکرشده، مهریه مالی است که زن با وقوع عقد مالک آن شده و زوج موظف به پرداخت آن می‌شود. البته در این قسمت تعریفی صریح و روشنی از مهریه سنگین نداریم. آنچه آمده است برای مهریه اقلی قائل شده است، مقداری که از مالیت نیفتد و برای اکثر آن مقداری مشخص نشده

است.

۲. مهریه سنگین در آیات و روایات

آیات قرآن کریم و روایات ائمه علیهم السلام هر کدام برای مهریه جایگاه ویژه‌ای قائل‌اند. در قرآن آمده است: «صداق‌های زنان را به منزله بخشش پرداخت نمایید.» (نساء/۴) آیه ۲۰ سوره نساء نیز برای مهریه سقفی تعیین نکرده است. این عبارات توافق مهریه را بر عهده زوجین نهاده است. در روایت هم عموم مؤمنان را از تعیین مهریه‌های سنگین بر حذر می‌دارند. البته طبق بعضی روایات، در صدر اسلام در بعضی موارد مهریه بیش از مهر السنه تعیین شده است که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱. مهریه سنگین در آیات

به‌رغم آن‌که آیه ۴ سوره نساء مبنای ترجیح نظریات مفسران اسلامی برای بیان ماهیت و فلسفه مهریه قرار گرفته است، آیه مذکور نمی‌تواند در مورد میزان مهریه مورد استناد قرار گیرد؛ بنابراین تنها آیه‌ای که به میزان مهریه اشاره دارد و مبنای نظریات فقها برای بیان حدود مهریه قرار گرفته است آیه ۲۰ سوره نساء می‌باشد که می‌فرماید: «و اگر خواستید زنی را به‌جای زنی دیگر بگیرید و او را قنطاری مال داده‌اید، نباید چیزی از او بازستانید. آیا به زنان تهمت می‌زنید تا مهرشان را باز پس گیرید؟ این گناهی آشکار است.» در این آیه به کلمه «قنطار» اشاره شده است؛ کلمه‌ای که یکی از مباحث کلیدی در خصوص میزان مهریه است. در تعریف قنطار در قاموس قرآن آمده است: «قنطار مال کثیر و عظیم است، اصل آن به معنی محکم کردن است. به قولی اصل آن از قنطره به معنی پل است» (قریشی، ۱۳۷۲: ۲۰) مرحوم طبرسی در تبیین قنطار می‌نویسد: «پوست گاوی است که پر از طلا کرده باشند». (طبرسی، ۱۳۴۹، ۵: ۲۰)

درباره کلمه قنطار آمده است: «قنطار وزنی معادل ۱۰۰ رطل ratl، مصر = ۴۴/۹۳ کیلوگرم، تونس = ۵۳/۹ کیلوگرم، سوریه = ۲۵۶/۴ کیلوگرم». (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۵۶۲) در لسان العرب آمده است: قنطار، «وزن چهل اوقیه از طلا، گفته می‌شود: هزار و صد دینار و گفته شد: ۱۱۰ رطل، از ابی عبید نقل شده: ۱۲۰۰ اوقیه و گفته شد: هفت هزار دینار، بیشتر از ۱۰۰۰ مثقال طلا یا نقره و ابن عباس گفت: هشت هزار درهم و گفته شد: جمع زیادی از مال نامعلوم، السدی گفته: ۱۰۰ رطل از طلا یا نقره، به زبان سریانی پوست گاو پر از طلا یا نقره، از گفته‌های آنان: قناطر مقلطره» (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۱۱: ۳۱۰) به نظر می‌رسد قنطار به معنای مال کثیر و عظیمی است که در زمان‌های مختلف متفاوت بوده است، اما مقدارش زیاد بوده است.

این آیه به عموم مسلمانان دستور می‌دهد که به هنگام جدایی از همسر و انتخاب همسر جدید حق ندارید که مهر همسر اول خود را کم بگذارید و یا اگر قبلاً پرداخته‌اید پس بگیرید، هر چند که مقدار مهر زیاد باشد. این حکم در قرآن بیانگر صحت توافق بر مهریه زیاد می‌باشد. چراکه باید توافق بر مهریه زیاد قبلاً صورت پذیرفته و از دید قرآن چنین توافقی صحیح قلمداد شده باشد که چنین حکمی در آیه ۲۰ سوره نساء مطرح می‌شود.

از ظاهر آیه به نظر می‌رسد که قرآن مجوز مهریه را هر مقدار که افراد توافق کنند - چه کم چه زیاد- داده است، اما بررسی‌های عمیق‌تر نشان می‌دهد که آیه ۲۰ سوره نساء بر حقوق زن تأکید شده است و مرد حق ندارد به بهانه‌ای واهی، ولو با تهمت زدن به زن، مالی را که قبلاً (هر مقدار که باشد، حتی زیاد) از وی پس گیرد و به همسر دوم دهد. این آیه حکمی از احکام الهی در احقاق حقوق زن در جامعه اسلامی است که باعث مباحثات زنان مسلمان بوده است. این حکم بیان می‌کند که مرد موظف است حقوق همسر اول خود را به‌طور شایسته پرداخت

کند. در واقع نشان می‌دهد که قرآن به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهد که از هر طریقی حقوق دیگران را زیر پا بگذارد، اما این آیه مسلمانان را به قرار دادن مهریه زیاد تشویق نمی‌کند و نمی‌تواند دلیلی بر مطلوبیت مهریه سنگین باشد. چون با آیاتی که راجع به زهد و ساده‌زیستی در قرآن آمده است سازگار نیست.

۲-۲. روایات

بررسی روایات، بیانگر وجود سه دسته روایات در خصوص مهریه است که به اختصار بررسی می‌شوند.

۱-۲-۲. آزادی طرفین در توافق بر مهریه

بر اساس دسته‌ای از روایات، مهریه آن کالا و مقداری از مال است که طرفین عقد نکاح بر آن تراضی می‌کنند، اعم از این‌که میزان آن کم یا زیاد باشد. امام صادق علیه السلام در مورد میزان مهریه فرمودند: «مهر آن چیزی است که متعاقدین بر آن توافق کنند». (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۲۱: ۲۳۹) امام باقر علیه السلام فرمودند: «مهر آن چیزی است که طرفین عقد نکاح بر آن تراضی نمایند، اعم از اینکه کم یا زیاد باشد». (طوسی، ۱۴۳۱، ۷: ۳۱۹) در منابع تاریخی آمده است: ام سلیم که از زنان صدر اسلام و از خانواده‌ای اصیل و ریشه‌دار بود، مهر خود را مسلمان شدن جوانی که به خواستگاری‌اش آمده بود قرارداد. (انصاریان، ۱۳۷۵: ۱۵۰) نجاشی به جای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مهریه‌ای به ام حبیبه پرداخت نمود که مبلغ ۴۰۰۰ درهم («۲۰۰ دینار») بود. در دیگر موارد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مهریه‌ای خیلی کمتر از این مبلغ پرداخت نموده است. (شبلی، ۱۳۷۶: ۵۹)

این دسته از روایات، صرف توافق طرفین در تعیین مهریه را ملاک می‌دانند و معتقدند که مهریه چیزی است که طرفین بر آن توافق نمایند چه کم باشد چه زیاد. در صدر اسلام، هم مهریه کم و هم مهریه زیاد وجود داشته است. اگرچه در این دسته از روایات توافق بر مهریه زیاد هم وجود دارد، این مسئله به ندرت در

کتاب‌های تاریخی و منابع روایی دیده شده است. حتی برخی از افرادی که از خانواده اصیل و طبقات بالای جامعه بوده و امکان پرداخت مهریه بالا را داشته‌اند بر مهریه کم توافق کرده‌اند.

۲-۲-۲. استحباب توافق بر مهریه همانند مهر السنّة

این دسته از روایات دلالت بر این دارند که مستحب است که مهریه زن همانند مهر السنّة باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: مهریه هیچ‌کدام از زنان پیامبر، از ۵۰۰ درهم تجاوز نکرد. (نوری، ۱۴۰۷: ۶۴) در فقه الرضا آمده که امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که زنی به ازدواج مردی درآمد و آن مرد تلاش کرد مهر آن زن مهر السنّة - که ۵۰۰ درهم است - قرار دهد، بنابراین، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج زنان را بر اساس مهر السنّة قرار می‌دهد.» (همان) ابو عبدالله صادق علیه السلام فرمود: «کابین بانوان مسلمین در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوازده اوقیه و نیم طلا بود و بهای آن با نقره خالص پانصد درهم برابر می‌گشت.» (طوسی، بی تا، ۷: ۳۵۶) امام صادق علیه السلام فرمود: «مهریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۲ اوقیه و یک نشاء بوده و یک اوقیه معادل چهل درهم است و نشاء معادل نصف اوقیه است یعنی ۲۰ درهم.» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ۲۱: ۲۴۶) این دسته از روایات دلالت دارند بر این که میزان مهریه همانند مهر السنّة باشد. مهر السنّة مهری است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای همسران و دخترانش تعیین می‌فرمود، مقدار آن بنا بر روایات وارده، حدود ۵۰۰ درهم بود. بر این اساس، اگر نگوییم مهریه سنگین مبعوض شارع نیست، حداقل در فرهنگ اسلامی کراهت دارد نکته دیگر آن است که مهر السنّة الگویی برای میزان مهریه است و مؤمنان با تاسی از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مهریه زنان را همانند آن قرار می‌دهند.

۲-۲-۳. استحباب مهر کم و کراهت مهر زیاد

این دسته از روایات بر استحباب مهر کم تأکید دارند و مهر زیاد را مکروه می‌دانند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «بهترین زنان امت من، خوب‌ترین و کم‌مهریه‌ترین آنان هستند.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ۵: ۲۲۵۷) نیز می‌فرماید: «بهترین مهریه، سبک‌ترین آن است.» امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «شومی و ناخجستگی زن، زیاد بودن مهریه او و نافرمانی از شوهرش می‌باشد.» (همان) امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «زن بابرکت زنی است که مهریه او سبک باشد و مهریه سنگین علامت شومی آن زن است.» (حرعاملی، ۱۳۹۹، ۱۵: ۱۰) حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: در مهریه زنان مبالغه‌آمیز عمل نکنید که دشمنی در پی دارد.» (نوری، ۱۴۰۷: ۶۶) طبق حدیث پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، هر زنی که مهریه خود را بر همسرش سنگین گیرد خداوند متعال زنجیره‌های سنگینی از آتش جهنم بر گردش می‌افکند. (نوری، ۱۴۰۷: ۶۸)

طبق حدیث امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در مورد کمی مهریه‌اش فرمود: «این خداوند است که تو را در آسمان تزویج کرده و مهر تو را خمس دنیا تا قیام قیامت قرار داده است.» (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۲۴۱)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: در محضر پدرم سخن از بدشگونی شد. پدرم گفت: بدشگونی در سه مطلب است: ۱- در زن ۲- در مرکب ۳- در خانه؛ بدشگونی زن در دو مطلب است: زیاد بودن مهریه او و نازا بودن او. (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۲۵۰) طبق این دسته از روایات بهترین زنان، دارای سبک‌ترین مهریه هستند و شومی زن را در مهریه زیاد می‌دانند.

دیدیم که دسته‌ای از روایات بر توافق زن و مرد بر مقدار مهریه تأکید می‌کند، دسته‌ای دیگر بر همانند بودن میزان مهریه با مهر السنه سخن می‌گویند و دسته سوم

بر کراهت مهر زیاد بحث می‌کند؛ اما نکته مهم این است که حداقل مهر نباید طوری تعیین شود که مالیت نداشته باشد. در مورد حداکثر میزان مهریه، نیز با توجه به کلمه قنطار در آیه ۲۰ سوره نساء نمی‌توان مقدار مهریه را محدود به میزان مشخص نمود. تعیین مقدار مهریه به خواست و تراضی طرفین عقد یا به عبارتی عرف جامعه است، هرچند که برخی روایات میزان مهریه را مهر السنة تلقی کرده‌اند. نکته مهم غلبه صبغه اخلاقی مهر بر جنبه حقوقی آن و بر حذر داشتن عموم مؤمنان از تقاضای مهریه‌های سنگین است، لذا دیدگاه اسلام هم بر تعادل در میزان مهریه استوار است.

۳. مهریه سنگین در آراء فقها

فقهای امامیه درباره میزان مهریه نظرات متفاوتی دارند. برخی مهر السنة را میزان مهریه دانسته و بیش از آن را مجاز نمی‌شمارند و برخی دیگر با استناد به آیه شریفه قرآن بیش از مهر السنة را صحیح می‌دانند. در این قسمت آراء فقها موافق و مخالف مهریه سنگین را در کمال اختصار مرور می‌کنیم.

۳-۱. مخالفین مهریه سنگین

برخی فقها با مهریه بیش از مهر السنة مخالف‌اند. برخی تعیین سقف مهریه را به پانصد درهم یعنی پنجاه دینار به ابن جنید و صدوق نسبت داده‌اند. (بحرانی، ۱۴۰۸، ۲۴: ۴۲۹)

شهید ثانی می‌نویسد: «قرار دادن مهریه به مقدار بیش از مهر السنة مکروه است.» او این نظر را به سید مرتضی نسبت داده است. (جعی العالمی، ۱۳۸۱: ۴۳۹) در مختلف الشیعه آمده است: «احتمال می‌رود که مراد از این سخن سید، استحباب باشد نه وجوب» (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۱۴۷-۱۴۵)

در جواهر آمده است: «سبکی میزان مهریه بدون اختلاف مستحب است همان‌گونه

که شهید ثانی در مسالک آورده است.» آنگاه روایاتی در تأیید این استحباب نقل می‌کند. (نجفی، ۱۴۰۱، ۳۱: ۴۸-۴۷)

در مجموع از آراء فقهای مخالف مهریه سنگین استنباط می‌شود که تنها سید مرتضی و شیخ صدوق قائل به این نظرند و سایر فقها چنین نظری ندارند. دلایل این فقها اجماع و روایتی است که در این مورد وجود دارد و نمی‌توان با عنایت به معنایی که برای لفظ قنطار در آیه ۲۰ سوره نساء آمده است، به این دلایل استناد نمود.

۲-۳. موافقین مهریه سنگین

۱-۲-۳. فقهای متقدم

فقهای متقدم در خصوص مهریه سنگین نظرهایی ارائه کرده‌اند. برای نمونه، علامه حلی در این زمینه می‌نویسد: «برای مهر در شرع حدی معین نیست. در کمی هر چه باشد و در بسیاری بدان راضی شوند و قرآن کریم فرمود اگر قنطاری باشد از آن دریغ ندارید و قنطار کنایه از مال بسیار است نه مقداری معین که از آن تجاوز نباید کرد. البته اولی آن است که مهر السنة قرار دهند که ۲۶۲ مثقال نقره خالص است و آن را مهر السنة گفتند، چون پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بدین مقدار ترغیب فرمود». (حلی، بی تا: ۵۴۲)

به عقیده شهید ثانی «مهریه نه حداقل دارد نه حداکثر، مشروط بر اینکه قابل قیمت‌گذاری باشد؛ مانند دانه گندم.» نیز می‌افزاید: «مکروه است که مهریه بیش از مهر السنة باشد، یعنی مهریه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای همه همسرانش قرار داده است» (همان، ۲۴۳-۲۴۴) در شرایع الاسلام آمده است: «اندازه‌ای در مهر نمی‌باشد، بلکه هر قدری که زن و شوهر به آن راضی شوند، هرچند کم باشد، مادام که از قیمت بیرون نرود، یعنی در کمی، مثل یک حبه گندم.» (محقق حلی، ۱۳۶۸: ۵۸۵)

صاحب جواهر نیز به محدود نبودن مهریه تمایل دارد.

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا می‌توان با توجه به کلمه قنطار برای مهریه مقداری تعیین کرد؟ آیا کلمه قنطار مجوز مهریه سنگین است برخی از این فقها، با در نظر گرفتن اصل استحباب، مؤمنان را به قرار دادن مهر السنة تشویق کرده‌اند. فقها حکم یا راهکاری در خصوص میزان مهریه ارائه نداده‌اند و توافق طرفین را در باب میزان مهریه ملاک دانسته‌اند و درباره کیفیت دادن و الزام زوج عملاً سخنی به میان نیاورده‌اند.

۴. نتیجه‌گیری

دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، همه نیازهای بشر را برآورده می‌کند؛ اما احکام اسلام یک مجموعه کامل است که باید با یکدیگر هماهنگ اجرا گردد. طبق آنچه در این مقاله در خصوص مهریه‌های سنگین مطرح شد، مهریه در قرآن از آن به‌عنوان صداق یاد شده است، نشانه صداقت، مهر و محبت مرد به زن است. در آیه ۲۰ سوره نساء هم با توجه به کلمه قنطار، از آن به‌عنوان مال عظیم یاد شده و مقداری برای مهریه مشخص نگردیده است. با تتبع در آراء برخی فقها هم برای مهر بیش از مهر السنة محدودیتی قائل نشده‌اند، اما عموم مؤمنان را از مهریه‌های سنگین بر حذر می‌دارند. در روایات ائمه علیهم‌السلام هم مسلمانان را برگرفتن مهریه‌های سبک تشویق می‌کنند. در مجموع می‌توان مطالب زیر را به‌عنوان نتایج تحقیق ارائه کرد:

۱. مهریه‌های سنگین در نظام حقوقی اسلام جایگاه معنوی ندارد. با استناد به آیات و روایات برای مهریه سقفی تعیین نشده است و آن را بر عهده زوجین گذاشته است؛ اما در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام و آراء فقها، عموم مسلمین را تشویق به مهریه‌های سبک می‌کنند.

۲. مهریه‌های سنگین در بدو ازدواج مشکلی برای زوجین ایجاد نمی‌کند، ولی زمانی که اختلافی بین زوجین پیش آید و یا زن تقاضای مهریه کند و زوج از عهده پرداخت آن برنیاید مشکلاتی به وجود می‌آید که این مشکلات دامن‌گیر خانواده، جامعه و دستگاه قضایی می‌شود.

۳. تعیین مهریه بر عهده زوجین است، یعنی بر اساس عرف هر جامعه‌ای میزان مهریه تعیین می‌شود، با این حال عواملی مثل غلبه روحیه مادی‌گرایانه، مهار طلاق و احساس کاذب ارتقاء منزلت زن، از مهم‌ترین عوامل توجه به مهریه سنگین است. با استفاده از ابزارهای فرهنگی و نهادینه کردن مهریه سبک و تشویق افراد جامعه به این سمت گام مؤثری برداشت.

منابع

۱. اسدی امیرآبادی، محمد مهدی (۱۳۸۸) پایان‌نامه «تحلیل فقهی - حقوقی امکان محدود ساختن میزان مهریه»، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۲. انصاریان، حسین (۱۳۷۵) نظام خانواده در اسلام، چاپ دوم، قم: ام‌اینها.
۳. ابن مطهر حلّی، یوسف بن علی (بی‌تا) تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ترجمه ابوالحسن شعرانی، ج ۷، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
۴. ابن منظور (۱۴۰۸-۱۹۸۸) لسان العرب، جلد یازدهم، چاپ اول، بیروت.
۵. آذر نوش، آذر تاش (۱۳۷۹) فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۶. بحرانی، یوسف (۱۴۰۸ ه.ق) الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، جلد ۲۴، قم: موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸) ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و یکم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. جبعی العاملی، زین‌الدین (۱۳۸۱) ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، ترجمه اسد اله لطفی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ه.ق) تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۲۱، چاپ اول، قم: موسسه آل بیت علیهم‌السلام.

۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۹ ه.ق) وسایل الشیعه، جلد ۱۵، تهران: مکتب الاسلامیه.
۱۱. حلی، یوسف بن علی بن مطهر (بی‌تا) تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ترجمه ابوالحسن شعرانی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۱۲. شیخ صدوق، ابن بابویه (۱۳۶۸) من لایحضره الفقیه، ترجمه علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، تهران: نشر صدوق.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۶۳) ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن حسن (۱۴۳۱ ه.ق) تهذیب الاحکام، جلد ۷، چاپ دوم، بی‌جا: دارالاضواء.
۱۵. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن حسن (بی‌تا) تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه شیخ مفید، جلد ۷، چاپ سوم، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۸۱) مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، جلد ۷، قم: موسسه بوستان کتاب قم.
۱۷. عاملی، زین‌الدین بن نورالدین (۱۳۸۷) فقه استدلالی شرح کامل کتاب الروضه البیبه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ترجمه عباس زراعت، چاپ اول، تهران: انتشارات فکر سازان.
۱۸. قریشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۲) قاموس قرآن، چاپ یازدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. لطفی، اسد اله (۱۳۸۸) حقوق خانواده، جلد اول، چاپ اول، تهران: خرسندی.
۲۰. محقق حلی (۱۳۶۸) ترجمه فارسی شرایع الاسلام، ترجمه ابوالقاسم ابن احمد یزدی (به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه)، جلد دوم، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷) میزان الحکمه، ترجمه رضا شیخی، جلد پنجم، چاپ اول، بی‌جا: ناشر دارالحديث.
۲۲. مفید، محمد بن النعمان العکبری البغدادی (بی‌تا) رساله المهر، تحقیق: شیخ مهدی، نجف: نشر مومر العالمی الالفیه الشیخ مفید.
۲۳. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۱ ه.ق) جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۳۱، تهران: مکتب اسلامیه.
۲۴. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷ ه.ق) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد ۱۵، چاپ اول، قم: موسسه آل‌البيت علیهم‌السلام.